

آیا اسلام با اعتقادات مردم در تضاد است..؟

بالای اعتقادات، عنعنات و بعضی از عادات مردم، مانند رفتن به زیارت - دم و دعا - گرفتن تعویذ و چیزهای دیگر انگشت انتقاد گذاشته میشود. اسلام با اعتقادات مردم در تضاد نبوده، مگر آنکه خود با اسلام در تضاد قرار نگرفته و ارزشهای اسلامی را با خطر مواجه نساخته باشد. باید یاد آور شد که بسیاری از بیماران مبتلا به امراض روانی را بعضی از روانشناسان از طریق اعتقادات مذهبی و دینی شان معالجه کرده، و اثرات مثبت آنرا نیز تجربه نموده اند.

((یک نرس افغان که در یکی از شفاخانه ها مربوط کمپ های مهاجرین در شهر پشاور زمانی کار میکرد، چشم دیدش را چنین بیان داشت:

داکتری از کشور عربی که اعتقادش خاص به (ذات خداوند، قرآن و سنت پیغمبر) بوده و دیگر چیزها را باطل و به باد انتقاد و مسخره میگرفت. روزی یک زن بیمار را که تعویذ به گردن داشت مورد اهانت قرار داده برایش گفت: این چه مزخرفاتست که آنرا به گردن خود آویزان کرده ای... و با شدت تعویذ را از گردن مریض دور ساخت. غیر انتظار حالت بیمار بهم خورده و تشنج شدید سراپای مریض را فرا گرفت.

داکتر با وارخطایی در تلاش بود تا به هر ترتیب که باشد مریض را از آن حالت نجات دهد، چاره ای ندید جز آنکه تعویذ را دوباره به گردنش آویزان نماید، و مشاهده نمود که حال مریض بهتر گردید)).
خاطره ها زیاد از مردم وجود دارد که چگونه خداوند تعالی نیاز و حاجت بندگانش را به هر وسیله که به خدا توصل جویند روا میدارد.

(آیا رفتن به زیارتها و طلب کمک از خداوند بوسیله آنها، نه به اشکال خرافاتی آن همچنان گرفتن دم و دعا از اشخاص که به آنها معتقد هستند، عمل ناصواب شمرده میشود..؟)

هیچ انسان عاقل و مسلمان انکار کرده نمیتواند که شفا دهنده و کارساز حقیقی پروردگار عالمیان میباشد. پس اعتقادات سالم را که سبب رضایت خاطر دل رنجیده ها میگردد، نباید به نظر خرافات دید. مثال ها از چشمدید های کسانی که چه خود آنها و یا دوستان شان تاثیرات مثبت آنرا از نزدیک مشاهده نموده اند حتی سبب تعجب و حیرت دیگران نیز واقع گردیده است، و یا اینکه بعضی اوقات دوکتوران از علاج در برابر آن خود را عاجز دیده اند زیاد است که طور نمونه یکی از آنها بیان میداریم.

((جوانی که مدت چند سالی از ناحیه حساسیت (پت) زیاد رنج میبرد، دوا و داکتر برایش موثر واقع نشد، البته با رهنمایی دوست شان جهت گرفتن دم و دعا از جانب شخصیکه در کندهار میان مردم دارای شهرت خاص بوده و مریدان زیاد هم داشت، بعد از گرفتن دعا در همان دفعه اول بطور کل شفایاب گردید)).

به علم هرچیز خداوند تعالی بهتر میداند که در میان هزاران نفر به یکی از این اشخاص حکمتش را عطا میدارد. خداوند تعالی از خرافات پرستی و اعتقادات نادرست که جز عرف مردم بوده، منع میفرماید. چنانکه در دوران جاهلیت رواج داشت، مردم برای اهداف شان بروی تیرها نوشته میکردند: خداوند امر کرده است و به تعداد دیگر نوشته میکردند خداوند امر نکرده است، تیریکه به هدف خورده بود میدیدند که روی آن چه نوشته است: آیا امر خداوند در آن است و یا امر خداوند نیست، بدین ترتیب اگر سبب خطا هم میگردد، آنرا به خداوند نسبت میدادند. پس اعتقادات و عنعنات مردم که مخالفت با دین نداشته، ضررش به خود شخص، دیگران و جامعه نرسد به نظر احترام دیده، حتی اگر طرف پسند و باور ما هم قرار نگیرد.

در اینجا از عنعنات و باور های مردم قدیم که در قرآن به آن اشاره گردیده است یاد آور میشویم، که اگر همچو اعتقادات وجود نمیداشت، مردم برای رفع معضلات چه راه دیگری را باید سراغ مینمودند.

حضرت زکریا (ع) برای سرپرستی حضرت مریم با چند تن از نگهبانان معبد که هر یک خود را مستحق پرورش وی میدانستند، اسامی شانرا بروی قلم های مخصوص نوشته و بروی آب انداختند، تا ببینند که قرعه به اسم کدام یک شان میبیرد، چون همه به این اتفاق نظر بودند، یعنی اسم هرکه بروی آب آمد حق نگهداری حضرت مریم را خواهد داشت. قرعه به اسم حضرت زکریا(ع) که شوهر خاله بی بی مریم بود برآمد.

همچنان قصه یونس پیغمبر را که چگونه قومش را رها نموده در کشتی نشست تا آنجا را ترک گوید. قرعه به اسم یونس (ع) برآمد، یونس پیغمبر که مجرم شناخته شده بود، وی را از کشتی بدخل آب انداختند تا حیات دیگر سرنشینان کشتی را از خطر نجات بخشیده باشند.

پس عقب همه این حوادث که با اعتقادات مردم گره خورده است، دست غیب در کار بوده، ورنه مردم خود به تنهایی و بدون اتکا به قدرت خالق بی همتا چاره ساز مصیبت ها و رنج های خود نبوده، و یا هم صرف با تداوی (دوا و داکتر) و غیره که تا هنوز در جوانی و در حال تکامل و پیشرفت قرار دارد، در رفع مشکل درد های روانی و جسمانی شان عاجز قرار می گرفتند.

در رابطه به باورها و اعتقادات، این سوال که اسلام در سر زمین که: مردم آن از پیروان آیین زردشتی و (یکتا پرست) بودند، همچنان نماز را صبح و شام به پا داشته، گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک را شعار خود قرار میدادند، کشت و زراعت پیشه آنها بوده و آتش را مقدس میداشتند: آیا پیشرفت فتوحات مسلمین درین سرزمین بخاطر انتشار دین مبین اسلام بوده، و یا تغییر اعتقادات مردم؟ چنانکه در قرآن آمده است ایمان وقتی کامل میگردد که مسلمان بگوید: ایمان آوردم به خداوند - به ملائکه - به کتب آسمانی - به پیغمبران - به روز آخرت - همچنان روز واپسین (پرسش) یعنی در غیر آن ایمان یک مسلمان کامل نمیشود.

تاریخ اسلام نشان میدهد که فتوحات اسلام در زمان خلیفه دوم و سوم بخاطر دعوت حق و تطبیق درست و کامل اصول دین مقدس اسلام بوده است نه غنایم، و تا جاییکه از زندگانی (زردشتیان) مطالعات نشان میدهد، آنها اعتقاد کامل بروز جزا (سوال و جواب) در روز قیامت را نداشته و همه حسابات (گناه و صواب) را در همین دنیا خلاصه میکنند. به باور آنها جزا اعمال خوب و بد را خداوند تعالی در همین دنیا به بندگانش میرساند و دنیای دیگری وجود نخواهد داشت، یعنی به آنروزیکه اعمال نامه هر کس بدستش میرسد اعتقاد چندان ندارند. این عقیده که خلاف آیین اسلام است متأسفانه در میان بعضی از مردم در مذاهب مختلف هنوز هم وجود دارد. مثالی زیاد است که حقیقت ایمان به روز پرسش را بما روشن میسازد:

در سابق که مساله (دی - ان - ای) جهت شناخت و کشف جرایم چندان روشن نبود، در یکی از قضایای قتل، مردی بیگناه را بجای مرد قاتل اصلی، اولاً بندی بعداً شکنجه و اعدام نمودند. چون آنقدر زجر و شکنجه دیده بود که دیگر تحمل آنرا نداشت و به ناچار اعتراف نمود که وی قاتل میباشد، تا بدین وسیله خود را از زیر بار عذاب نجات داده باشد.

اما بعد از گذشت زمان طولانی، قاتل اصلی که به سن پیری و ناتوانی رسیده بود و زندگانی دنیا را برایش آخر میدید، خود را به قانون تسلیم نموده اعتراف نمود که وی قاتل آنشخص مقتول بوده که در موقع قتل برای نجات خود فرار نموده بود.

درینجاست که اعتقاد بروز آخرت بیشتر میگردد که جزا اعمال مردم در این دنیا کافی نیست، زیرا ممکن در دنیا بسیار حق تلفی ها و اتفاقات صورت بگیرد، چه عمدی یا غیر عمدی که به جز پروردگار هیچکس به آن اطلاع حاصل کرده نتواند، که حق پوشیده و قضایا همچنان پنهان باقی بماند. پس باید روزی باشد که اعمال انسان ذره، ذره تصفیه شده، مردم جزای خوبی و بدی شانرا ببینند و این وعده خداوند تعالی میباشد که به هیچکس ظلم نمیکند.

بعد از مهاجرت به کشور استرالیا تقریباً بیست سال قبل با یک فامیل ایرانی معرفت پیدا کردیم و در ضمن آنکه خود را در مذهب بهایی معرفی نموده بودند، که در مورد این مذهب قبلاً بی اطلاع بودم. کتاب از ایشان دریافتم، تا به گفته آنها با مذهب (بهایی) که شاخه از اسلام (مترقی) بوده آشنا شوم. البته بعد از مطالعه و دریافت بعضی نکات از لابلای مطالب که راجع به اسلام در آن ذکر شده بود، دریافتم که هدف در کجاست، زیرا بیشتر جنبه انتقادی نسبت به اسلام داشت و غرض آلود به نظر میرسید، به خصوص در مورد آیه شریفه که خداوند تعالی از حرکت آفتاب و مهتاب در سوره رحمن در قرآن یاد نموده است.

در جایی به کنفرانس علمی که در قرن بیستم در امریکا دایر گردیده بود، به رد این آیه قرآنی اشاره شده بود که: چگونه آفتاب در حرکت است در حالیکه آفتاب ثابت بوده و نظام شمسی بدور آن در یک مدار بیضوی میچرخد. در آن زمان یعنی ۱۴۰۰ سال قبل برای بشر که آفتاب با همه نظام شمس در حرکت است مانند امروز برای هیچکس معلوم و روشن نبود. طوریکه علمای ساینس در چند دهه اخیر بعد از (اکتشافات و تحقیقات) زیاد این مطلب را ثابت ساخته است که آفتاب با همه سیارات دیگر در یک فضای لابنتهایی در حرکت میباشد که قرآن چهارده قرن قبل به آن اشاره نموده بود.

سوال پیدا میشود که آیا صحابه کرام راجع به این آیه از رسول خدا سوال کرده بودند و یا خیر، کدام روایت وجود دارد تا برای رد ادعای کسانی که از اسرار قرآن تا حال بیخبر مانده بودند جواب شانرا دریافت نمایند.

در این شرایط دشوار زندگانی انسانهای امروزی که ظلم، بیدادگری، فتنه و آشوب جهان را فرا گرفته است، بایست گره کدورت ها، حساسیت ها باز شده، تعصبات و دشمنی ها از میان مذاهب و ادیان کاملا برداشته شود. آنهایی که حقیقتا دارای کتب آسمانی هستند، نه از راه برتری نشان دادن به یکدیگر و یا ظلم و خشونت، بلکه با خدا دوستی و اتفاق دست بدست هم داده کسانی را که به خطا رفته، از دین بیگانه و یا از آن فاصله گرفته اند بسوی یکتا پرستی دعوت نمایند. حقیقتا بنام دین نفاق جایز نیست، خداوند میفرماید: پروردگار شما منم، بر سر من اختلاف نکنید.

در گزارشی آمده است که: در کشور استرالیا نسبت به ادیان دیگر پیروان مذهب بودایی (بودیست) روز تا روز بیشتر گردیده، که تعداد زیادترین را جوانان تشکیل میدهد، همچنان در ایستر سال ۲۰۱۰ میلادی یکی از رهبران کلیسای کاتولیک از مردم خواست تا از راه دین به خداوند خود را نزدیک بسازند، زیرا خطر بی دینی برای خود شخص، خانواده و همچنان جامعه گران تمام میشود.

به امید توفیق

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ